

نهضت پهلوان اسد خراسانی

مقدمتاً تذکار نکته‌ای بی‌فایده نیست که قرن هشتم را باید قرن دگرگونی‌ها و کشتارها و قتل‌ها و پیروزی‌ها دانست و آن را قرن اضداد نامید:

چه، از طرفی اوضاع فاسدش را عبیدزاکانی به بهترین وضع بررسی و تشریح نموده ۱ از امیر تا حاکم از محتسب تا زاهد همه راه‌ریا و نیرنگ می‌پیمودند. سلسله‌ها در حال نزاع و زد و خورد و مردم هم از دست امرای خود کامه‌بسته آمده بودند.

از طرفی، دیگر از حکومت خلفای عباسی و شکوه بغداد تاریخی خبری نبود و بدست فراموشی سپرده شده و تشیع هم در حال جان گرفتن و پیشرفت بود چه سقوط بغداد در سال ۶۵۶ زنگ پیروزی را نواخته بود.

از سوئی دیگر، تصوف عالی‌ترین مقام خود را می‌پیمود و وارد میدان اجتماع میشد. گوشه‌گیری و انزوی متصوفه و مشایخ تبدیل به اجتماع‌طلبی گردیده بود.

در همین زمان اخوان و قتیان در اوج قدرت و شکوه؛ پهلوانی و عیاری بسان قرن دوم و سوم هجری در جولان و پهلوانان مشکل‌گشای کارها و مصائب و پرچمدار نهضت‌ها بودند که نمونه‌ای از آن نهضت پهلوان عبدالرزاق باشیستی اولین امیر سرداری در سبزوار ۳ و نهضت پهلوان اسد خراسانی در کرمان بود. و آنچه در صفحات آینده خواهد گذشت چگونه نهضت پهلوان اسد و سرانجام کاروی می‌باشد.

صفحات تاریخ سلطنت شاه شجاع پراز اغتشاشات و بحران‌های سیاسی است. شاه شجاع هنوز از اختلافات و انقلابات داخلی‌دهائی نیافته بود که مواجه با دسیسه‌های سیاسی امرای زمانش گردید که حتی یک بار هم او را از اورنگ پادشاهی پائین آوردند و دیرگاهی از این

۱- دیده شود رساله در شناخت عبیدزاکانی از نصرالله داودی از انتشارات بنگاه پگاه مشهد خصوصاً فصل اول آن. و هم چنین دیده شود کلیات عبیدزاکانی با تصحیح عباس اقبال طهران ۱۳۳۲

۲- نگارنده کتابی جداگانه در تاریخ دولت سرداران نوشته و بزودی آماده چاپ خواهد نمود.

خطر بزرگ نگذشته بود که قیام پهلوان اسدخراسانی در کرمان آغاز شد. پهلوان اسد خود مختاری کرمان را اعلام داشت، سرانی را بردار و سردارانی را گرفتار و امرائی را هم پسرای دیگر فرستاد. با آنکه پهلوان اسد از سرداران سبزواری کمک و یاری خواسته بود ولی عواملی چند سبب شد که طومار حکومت زود گذرش در هم بپیچد و دفتر ایامش بسته گردد. اکنون چگونگی این قیام را بررسی میکنیم:

آغاز نهضت :

پهلوان اسدخراسانی از سپاهیان جلدوچا بک شاه شجاع محسوب میشد و بقول عبدالرزاق سمرقندی «خوش صورت و نیکوسیرت»^۴ و مردی خداپرست و زاهد بود. روزی از روزهای زمستان در پگاهی سرد و یخبندان وی در صدد شکستن یخهای حوض بود، شاه شجاع از وی پرسید چه کار می کنی؟ گفت که یخ میکشند و وضوی سازد.^۳ شاه شجاع را ازین دینداری و احساسات مذهبی وی خوش آمد و گفت : «کسی که در دین باین متانت و مجدد مردانه باشد توان دانست که درد دنیا چگونه بود»^۴ و این شعر مولانا صدرالدین دهقی درین باره میباشد:^۵

از کریمی که هست شاه شجاع مهر اینمرد در دلش رسته است
زانکه در ماه دی زبهر وضو یخ شکسته است و دست و روشسته است^۶
شاه شجاع را از صفات حسنه پهلوان اسد خوش آمد و حکومت کرمان را بوی داد و بدین طریق اسد حاکم و استاندار کرمان گردید.

۱- سرداران: دولت شیعه مذهب در خراسان غربی که از ۷۳۶ هجری تا ۷۸۸ حکومت کردند و مدت حکومتشان ۵۲ سال و پایتختشان سبزواری بود. مؤسس این سلسله پهلوان عبدالرزاق باشیستی بود و معروفترین سلطان این سلسله امیر مسمود سرداری است این سلسله در اثر تبلیغ و ترویج مذهب شیعه معروف و مشهور گردید سرانجام تیمور گورکانی در سال ۷۸۳ به خراسان آمد و آخرین سلطان سرداری خواجه نجمالدین علی مؤید با استقبال وی رفت و سبزواری را از کشتار نجات داد از سال ۷۸۳ سلطان علی مؤید در خدمت تیمور بود تا اینکه در سال ۷۸۸ در خرم آباد لرستان کشته شد و با اینکه تیمور دستور بقتل وی داد و با کشته شدن علی مؤید دولت سرداران پایان آمد.

۲- مطلع العدین نسخه خطی کتابخانه مجلس، صفحه شماره ندارد.

۳- تاریخ آل مظفر محمود کتبی تصحیح عبدالحسین نوائی ص ۸۶

۴- روضة الصفا چاپ ۱۲۶۱ جلد ۴ و حبیب السیر جزء دوم از مجله سوم ص ۳۱ و ۳۲.

۵- حافظ ابرو اسم شاعر را مولانا صدرالدین دهوی ذکر کرده است تاریخ عصر حافظ

دکتر غنی ص ۲۷۸.

۶- تاریخ آل مظفر ص ۸۶

علل نهضت پهلوان اسد در کرمان:

اکنون ببینیم، چه عواملی سبب شد که پهلوان اسد در کرمان دست بیک جنبش همه جانبه بزند و حتی سرانی را گرفتار و بزرگانی را بر بالای دار بفرستد. بطور کلی علل و عواملی چند در نهضت پهلوان اسد مؤثر بوده که مهمترین آنان عبارتند از:

۱- ملکه مخدوم شاه مادر شاه شجاع در کرمان اقامت داشت و خود را فرمانروای مطلق میدانست. تا روزیکه ملکه در کرمان بود پهلوان اسد نمیتوانست بروی بشورد و با اعلام خود مختاری نماید. ملکه مخدوم شاه از رفتار پهلوان اسد ناراضی بود و چند گاه به پسرش شاه شجاع نوشت که پهلوان اسد خیال مخالفت و خیانت دارد و ملکه مخدوم شاه خوب احساس کرده بود که پهلوان اسد با پهلوانان دیگر بروی خواهند شورید و مکرر بدربار شیراز پیام می فرستاد دایر به اینکه :

د فکری بحال مملکت بیاید کرد که از ناحیه اسد اثر اختلاف مشاهده می افتد ۲

۲- شاه شجاع بوزیر خود قطب الدین سلیمان شاه در شیراز بدگمان شد و او را در بند انداخت و پسرش امیر غیاث الدین محمود را کور کرد و روانه کرمان نمود. امیر غیاث الدین چون بکرمان آمد پهلوان اسد را بعصیان و نافرمانی دعوت نمود و پهلوان هم کینه شاه شجاع در دل بگرفت ۳

۳- امیر سیور غتمش اوغانی ۴ برادر زن شاه شجاع که با وی مخالفت می ورزید همیشه پهلوان اسد را علیه شاه شجاع تحریک میکرد و بقول عبدالرزاق سمرقندی:

د امیر سیور غتمش اوغانی برادر زن شاه شجاع که هرگز با پادشاه یک جهت نبود، باتفاق شاه یحیی هر روز سودای سلطنت در دماغ اسدمی نهادند، و از زبان امرای شاه شجاع نامهها بر توویر می فرستادند که بر مزاج شاه اعتماد ننماید ۵

امیر شاه یحیی از یزد که با شاه شجاع میانه ای نداشت و هم چنین امیر غیاث الدین محمود پهلوان اسد را تحریک میکردند و از قبول امیران شاه شجاع برای پهلوان اسد نامه می فرستادند و او را تشویق به قیام می نمودند ۶

نهضت چگونه شروع شد :

- ۱- تاریخ کرمان وزیری ص ۲۱۴.
- ۲- روضة الصفا جلد ۴ و تاریخ آل مظفر ص ۸۷
- ۳- تاریخ عصر حافظ ص ۲۷۸.
- ۴- در روضة الصفا و حبیب السیر افغانی آمده، در مطلع العدین هم افغانی ذکر شده، ولی اوغانی درست تر است.

۵- مطلع السعدین خطی و روضة الصفا جلد ۴ چاپ ۱۲۶۱ و حبیب السیر ص ۳۱ و ۳۲

۶- تاریخ آل مظفر ص ۸۶ و ۸۷.

بحران سیاسی آغاز شده بود، پهلوان اسد هم در پی بهانه‌ای می‌گشت تا نهضت را علنی نماید و هم به جنگ سرد خود که علیه ملکه مخدومشاه انجام میداد خاتمه دهد. در همین زمان که کرمان آستان اغتشاشات سیاسی بود پهلوان کشتی‌گیری بنام شمس چلچک ۱ به کرمان وارد شد و در روز عید با کشتی‌گیر کرمانی که معروف به پهلوان رئیس بود کشتی‌گرفت ۲ و پهلوان شمس که خراسانی بود بیفتاد ملکه مادر شاه که کرمانی بود خوشحال گردید و به پهلوان رئیس خلعت‌های فراوان داد و بدستور وی پهلوان را براسبی سوار کرده و در بازار و محلات شهر بگردانیدند.

عصر همان روز پهلوان اسد که از بازی‌های سیاسی ملکه مادر آگاهی یافته بود، ناراحت شد برغم ملکه مادر، فرمان داد که پهلوان خراسانی را سوار کرده با گروهی از خراسانیان در بازار بگردانیدند. مخدومشاه چون عمل اسد را دریافت متغیر شده گفت:

«کشتی‌گیری که زمین خورده چه معنی دارد در بازار بگردانند و کرمانیان را گفت بروید خراسانیان را بزنید و از بازار برانید. در آن روز میانه مردم کرمان و خراسان در میان بازار نزاع شد چند نفر از طرفین مقتول و زخم‌دار شدند. ۳»

و کار بدانجا رسید که ملکه مادر مخدومشاه درصدد برآمد که پهلوان اسد و خراسانیان را تنبیه کند خواهجه محمد کرمانی ملقب به قطب‌الدین از اکابر کرمان برای فرو نشاندن خشم مخدومشاه بوی گفت که شما را نیازی بر این نیست که رنج را بر خود متحمل سازید:

«اگر مرخص فرمائید مقنی‌ها و برزگرها را بگویم تا قصر را بر سر اسد خراب کنند ۴»
 بدین‌سان اغتشاش همه‌جانبه شد و پهلوان اسد دست به نهضت زد و هر چند مخدومشاه بشاه شجاع می‌نوشت که پهلوان اسد دست بشورش زده و کرمان را از قلمرو فرمان‌روائی خارج کرده، شاه شجاع باور نمی‌کرد و می‌پنداشت که پهلوان اسد با شاهزادگان قراختائی که در دربار ملکه مخدومشاه بودند ۵ بدرفتاری می‌کند و این شاهزادگان هم نزد ملکه از اسد سعایت می‌نمودند سرانجام ملکه کار را بر خود دشوار دید و فرار را برقرار ترجیح داد و از گواشیر به بلوک سیرجان آمد ۶ هنگامیکه ملکه عزم خروج از کرمان می‌نمود گفت:

ومن در کرمان نمی‌نشینم که اسد بی‌آبرویی من می‌طلبد. ۷

(ناتمام)

- ۱- در تاریخ عصر حافظ یمشی و چکچک آمده ص ۲۷۹.
- ۲- در قرن هشتم هجری کشتی‌گیری در ایران رواج داشته‌است.
- ۳- تاریخ کرمان و زیری تصحیح دکتر باستانی پاریزی ص ۲۱۴ و تاریخ عصر حافظ ص ۲۷۹.
- ۴- تاریخ آل مظفر ص ۸۶ و ۸۷ و تاریخ کرمان ص ۲۱۵.
- ۵- به تاریخ کرمان قسمت قراختائیان رجوع شود.
- ۶- مطلع السعدین و تاریخ کرمان ص ۲۱۵.
- ۷- تاریخ کرمان ص ۲۱۵ و همچنین در مطلع السعدین، روضة الصفا، حبیب‌السیر، تاریخ الفی و تاریخ عصر حافظ دکتر غنی.